

## مبانی سیاسی قرآن کریم در تفاسیر

دکتر غلامرضا بهروزی لک\* (استادیار دانشگاه باقرالعلوم قم)  
مصطفی دهقانی فیروزآبادی\* (دانشجوی دکتری تفسیر تطبیقی دانشگاه قرآن و حدیث)

### چکیده

سیاست یکی از مهم‌ترین ارکان یک جامعه است که اگر بر پایه‌های درستی بنا شده باشد، موجب تعاملات درست و منطقی در معادلات سیاسی - اجتماعی جامعه می‌شود. بیان اصول و مبانی سیاسی قرآن کریم و کنکاش آن در تفاسیر متعدد، بیان‌گر این مطلب است که باید برای اداره صحیح جامعه از قوانین متعالی اسلام در تمامی عرصه‌ها، به ویژه عرصه سیاست، بهره کامل برد. نحوه رفتار سیاسی در روابط داخلی و خارجی، نحوه برخورد در سیاست‌های مالی و اقتصادی، شرط عدالت در رهبری و حکمرانی، تفکیک‌ناپذیری دین از سیاست، لزوم مشورت در امور حکومتی و سیاسی، لزوم حق‌مداری و عدالت‌گستر بودن سیاست‌های جنگی، فصل‌الخطاب بودن حرکت رهبر جامعه اسلامی در امور حکومتی، توجه خاص به مجاهدان دارای فعالیت‌های سیاسی، عزت به عنوان اصلی مهم در سیاست خارجی و روابط سیاسی - اقتصادی، و لزوم آگاهی در مدیریت سیاسی - امنیتی برخی از مبانی سیاسی اسلام است که در این نوشتار مطرح شده است.

مهم‌ترین دستاورد و نتیجه کلی این نوشتار، عدالت‌محور بودن مبانی سیاسی اسلام است که نتیجه آن گسترش عدالت اجتماعی در سطح روابط داخلی و خارجی است.

**کلید واژگان:** قرآن، مبانی، سیاست، عدالت.

\* behroozlak@gmail.com

\* dm.dehghani@yahoo.com

## مقدمه

سیاست، روابط سیاسی - اجتماعی و قوانین سیاسی از جمله موضوعاتی هستند که در قرآن و حدیث مورد اشاره مستقیم قرار گرفته‌اند.

آیات مربوط به امور سیاسی در قرآن در حوزه‌های مختلف مطرح شده‌اند؛ حوزه‌هایی از قبیل حکومت، اقتصاد، نظامی‌گری و... نتیجه آن به کارگیری مبانی سیاسی در جایگاه مخصوص خود برای اداره درست و منطقی جامعه می‌باشد؛ چه اهمیت و ضرورت بحث از مبانی سیاست قرآن در اداره صحیح و منطقی جامعه نمود می‌یابد که در آن اساس قوانین برتر اسلام مبنای روابط داخلی و خارجی است. در واقع، هدف اصلی، تلاش برای به کمال رساندن انسان به بالاترین درجات مادی و معنوی است که دنباله اهداف انبیاء و اولیای الهی می‌باشد.

## ۱- مفهوم‌شناسی تفسیر سیاسی

برای پی بردن به معنای اصلی واژه «سیاست» باید از دو جهت آن را بررسی نمود: واژه «سیاست» در لغت از ماده «سوس» (ساس) و به معنای انجام کاری است که به مصلحت چیزی (کسی) می‌باشد (طریحی، مجمع‌البحرین، ذیل ماده «سوس») و سیاست‌مدار به کسی گفته می‌شود که به اصلاح مردم و کارهای آنان می‌پردازد (فراهیدی، العین، ذیل ماده «ساس»؛ بنابراین، سیاست به معنای در نظر گرفتن مصالح یک چیز یا شخص یا گروه است که اقدام جدی برای اجرای آن مصالح در حق آنان صورت می‌گیرد.

سیاست در اصطلاح دانشی است که از مناسبات شهروندی بحث می‌کند (جواد طباطبایی، زوال اندیشه سیاسی در ایران، ۲۲) یا به روندی گفته می‌شود که در آن شهروندان به اتخاذ یک تصمیم جمعی مبادرت می‌ورزند (امرائی - شهرزاد، مهندسی سیاست، ۱۸) یا فعالیتی اجتماعی است که با تضمین نظم در نبردهایی که از گوناگونی و ناهم‌گرایی عقیده‌ها و منافع ناشی می‌شود، می‌خواهد به یاری زور - که اغلب بر حقوق متکی است - امنیت بیرونی و تفاهم درونی واحد سیاسی ویژه‌ای را تأمین کند (فروند، سیاست چیست؟، ۲۱۳)؛ بنابراین، می‌توان گفت: سیاست یک دانش اجتماعی درباره شهر و شهروند است و از عقاید و منافع آنها ناشی می‌شود که درصدد برقراری امنیت خارجی و تفاهم داخلی می‌باشد.

ترکیب «تفسیر سیاسی قرآن» یک عبارت جدید التأسیس است که تعریف معتبر و قابل استنادی برای آن پیدا نمی‌شود، اما بنا بر توضیحاتی که در مفهوم‌شناسی تفسیر و سیاست داده شد، می‌توان گفت: تفسیر سیاسی قرآن عبارت است از: بیان تحلیلی - اخلاقی روان و ساده از مراد استعمالی و جدی آیاتی که در بردارنده مسائل اجتماعی، سیاسی، حقوقی و ولایی‌اند.

### مبانی سیاسی قرآن کریم

قرآن کریم به عنوان یک کتاب جامع و کلی، در بردارنده مبانی کلی‌ای است که به موضوعات مختلفی از جمله سیاست پرداخته است. از آنجا که حکومت در اسلام از مهم‌ترین بنیان‌های جامعه به شمار می‌آید، بیان مسائل و موضوعات سیاسی در اسلام نیز از نیازهای اساسی آن می‌باشد. به تبع، بحث از مبانی سیاست در قرآن نیز از مباحث مهم و در خور توجه است که می‌توان آنها را از آیات قرآن استخراج کرد.

در ذیل به مهم‌ترین مبانی قرآنی سیاست اشاره می‌کنیم:

#### ۱. نحوه رفتار سیاسی در روابط داخلی و خارجی

روابط داخلی و خارجی که به نوعی همان اعمال سیاست‌های دیپلماتیک در سطح روابط بین‌الملل است، یکی از شاخصه‌های حکومتی یک جامعه است. نوع این رفتارهای سیاسی بیان‌گر انگیزه‌های آن حکومت در نحوه برخورد با جوامع دیگر است. قرآن کریم بهترین نوع روابط داخلی و خارجی را رفتار عادلانه معرفی می‌کند: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ﴾ (مائده/۸)؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! همواره برای خدا قیام کنید و از روی عدالت گواهی دهید! دشمنی با جمعیتی، شما را به گناه و ترک عدالت نکشانند! عدالت کنید که به پرهیزگاری نزدیکتر است! و از (معصیت) خدا پرهیزید که از آن چه انجام می‌دهید، با خبر است».

مرحوم طبرسی رفتار عادلانه بین‌المللی را در سایه اخلاق عاری از کینه‌ورزی تفسیر می‌کند: «ای مردم مؤمن، باید عادت شما و خوی شما قیام به حق باشد، به طوری که خود

عمل شایسته انجام دهید و دیگران را امر به معروف و نهی از منکر کنید و اینها را برای تحصیل رضای خدا انجام دهید. حال آنکه گواهانی هستید که عادلانه، به وظیفه شهادت عمل می‌کنید؛ بغض و کینه شما نسبت به مردمی، شما را به بی‌عدالتی وادار نکند. یعنی: کسی که نسبت به قومی کینه دارد، شما را به بی‌عدالتی وادار نکند که در حکم و سیره خود نسبت به ایشان به ستمگری گرایید (طبرسی، مجمع البیان، ۲۶۱/۳). این تفسیر بر این مبناست که وی «سنتان» را مصدر و به معنای کینه یا صفت و به معنای کینه‌ورز گزارش می‌کند (همان). بنابراین، رفتار کینه‌ورزانه با حکومت‌های دیگر موجب می‌شود که انسان در حق آن حکومت‌ها و مردم آنها ناعادلانه رفتار کند. این همان اخلاق غیرانسانی‌ای است که قرآن کریم جامعه اسلامی را از آن برحذر می‌دارد و به رفتار عادلانه تشویق می‌کند.

## ۲. نحوه برخورد در سیاست‌های مالی و اقتصادی

در یک جامعه دارای حکومت باید تصمیم‌های اقتصادی و سیاست‌های پولی و مالی آن به وسیله رهبر حکومتی آن جامعه اخذ شود که طبیعتاً یک شخص سیاسی نیز می‌باشد. در قرآن کریم به این سیاست مهم حکومتی اشاره شده است: ﴿وَلَوْ أَنَّهُمْ رَضُوا مَا آتَاهُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ سَيُؤْتِينَا اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَرَسُولُهُ إِنَّا إِلَى اللَّهِ رَاغِبُونَ﴾ (توبه/۵۹)؛ «در حالی که) اگر به آنچه خدا و پیامبرش به آنان داده، راضی باشند و بگویند: خداوند برای ما کافی است! و به زودی خدا و رسولش، از فضل خود به ما می‌بخشد ما تنها رضای او را می‌طلبیم. (برای آن‌ها بهتر است)».

طبرسی در مجمع البیان مورد آیه را صدقاتی می‌داند که منافقان آن را از پیامبر ﷺ طلب کرده و به عیب‌جویی آن حضرت پرداخته‌اند (طبرسی، مجمع البیان، ۶۳/۵). بدین‌سان روشن می‌شود که نحوه تقسیم غنایم و بیت‌المال که یکی از ارکان اقتصادی جامعه به شمار می‌آید، باید به وسیله رهبر امت انجام شود.

## ۳. شرط عدالت در رهبری و حکمرانی

از نظر قرآن رهبری جامعه اسلامی لوازمی دارد که مهم‌ترین آن، اجرای عدالت در هنگام حکم کردن است. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: ﴿... وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ...﴾ (نساء/۵۸)؛ «... و هنگامی که میان مردم داوری می‌کنید، به عدالت داوری کنید...».

از دیدگاه طبرسی حکم کردن به عدالت در این آیه به زمامداران جامعه نسبت داده شده که به آنان امر می‌کند که در میان مردم به عدالت حکم کنند. وی در ادامه می‌گوید نظیر آن این آیه است: ﴿يَا دَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ﴾ (ص/۲۶)؛ «ای داود، ما ترا در زمین خلیفه و زمامدار کرده‌ایم. پس در میان مردم به حق حکم کن».

روایت شده است که پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله به امام علی علیه السلام فرمودند: «میان دو طرف دعوا در نگاه کردن و سخن گفتن مساوات برقرار کن». (طبرسی، مجمع البیان، ۳ / ۹۹)

از این تفسیر روشن می‌شود که رعایت عدالت در نحوه حکمرانی حکمرانان جامعه اسلامی امری بسیار مهم است که علاوه بر آثار مثبتی که در جامعه و کشور اسلامی به جا می‌گذارد، تأثیرات اخروی نیز به همراه دارد.

#### ۴. تفکیک ناپذیری دین از سیاست

تفکیک ناپذیر بودن دین از سیاست از قوانین و مبانی مهم، اصلی و اجماعی اسلام است که قرآن کریم در آیات مختلفی به آن اشاره می‌کند. برای نمونه، قرآن کریم می‌فرماید: ﴿أَلَمْ تَرَ إِلَى الْمَلَأِ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ مِنْ بَعْدِ مُوسَى إِذْ قَالُوا لِنَبِيِّ لَهُمْ ائْتِنَا مِنْ مَلَكًا تُقَاتِلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ﴾ (بقره/۲۴۶ و ۲۴۷)؛ «آیا مشاهده نکردی جمعی از بنی اسرائیل را بعد از موسی، که به پیامبر خود گفتند: زمامدار (و فرماندهی) برای ما انتخاب کن! تا (زیر فرمان او) در راه خدا پیکار کنیم».

طبرسی در اینکه این قوم بنی اسرائیل از چه کسی درخواست کردند که برایشان رهبر و فرمانده قرار دهد، سه احتمال را گزارش کرده است:

۱. پس از آنکه ستمگران و جباران بر بنی اسرائیل غلبه یافته و قسمت بیشتر شهر و دیار آنان را گرفتند و فرزندانشان را اسیر و خود آنها را ذلیل نمودند؛ به سبب اینکه آنان عهد و پیمان خدا را فراموش کرده بودند و گناهان در میان آنها زیاد شده بود و پیامبری نداشتند، لذا خداوند اشموئیل پیامبر را برای آنان فرستاد. آنان به او گفتند: اگر راست می‌گویی برای ما پادشاهی برانگیز تا در راه خدا بجنگیم و این نشانه نبوت و پیامبری تو است.

۲. آنان می‌خواستند با «عمالقه» جنگ کنند. پس درخواست پادشاهی کردند که امیر آنان شود و در سایه قدرت او کلیه آنان متحد و حالشان منظم گردد و در جنگ با دشمن پیروز شوند.

۳. خداوند اشموئیل پیامبر را برای آنان فرستاد و چهل سال به بهترین صورت گذراندند تا مسئله جالوت و عمالقه پیش آمد و اینان به اشموئیل گفتند که برای ما پادشاهی برگزین... .

طبرسی در ادامه، سخنی از امام صادق علیه السلام را در بیان معنای ملک چنین نقل می‌کند که ابو عبد الله علیه السلام می‌گوید: «ملک در آن زمان به کسی می‌گفتند که لشکر را می‌برد (به اصطلاح امیر لشکر) و پیامبر، کارش را برپا می‌داشت و از طرف خدا و به وسیله وحی او را (از جریان و عواقب کارها) آگاه می‌ساخت (طبرسی، مجمع البیان، ۲ / ۶۱۰).

از این بیان تفسیری استفاده می‌شود که انتخاب رهبر برای جامعه قوم بنی اسرائیل که یک امر سیاسی است، به وسیله یک پیامبر که یک انسان آسمانی است، صورت گرفته است؛ یعنی حضور دین در عرصه سیاست و حکومت که باعث قوام آن حکومت نیز خواهد شد، امری اجتناب‌ناپذیر است. نیز می‌توان نتیجه گرفت که پیامبران الهی شخصاً در امور نظامی و حکومتی مانند عزل و نصب فرماندهان جنگی دخالت می‌کردند که این خود بیان‌گر عدم جدایی دین از سیاست است.

آیه دیگر دال بر عدم جدایی دین از سیاست آیه مربوط به حکومت جهانی مؤمنان است: ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَن كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾ (نور/۵۵)؛ «خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند وعده می‌دهد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد، همان گونه که به پیشینیان آن‌ها خلافت روی زمین را بخشید و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده، پابرجا و ریشه‌دار خواهد ساخت و ترسشان را به امنیت و آرامش مبدل می‌کند، آن چنان که تنها مرا می‌پرستند و چیزی را شریک من نخواهند ساخت. و کسانی که پس از آن کافر شوند، آن‌ها فاسقاند».

علامه طباطبایی در تفسیر این آیه می‌گوید:

«این آیه وعده جمیل و زیبایی است برای مؤمنان که عمل صالح هم دارند. به آنان وعده می‌دهد که به زودی جامعه صالحی مخصوص به خودشان برایشان درست می‌کند و زمین را در اختیارشان می‌گذارد و دینشان را در زمین متمکن می‌سازد و امنیت را جایگزین ترسی که داشتند، می‌کند؛ امنیتی که دیگر از منافقان و کید آنان و از کفار و جلوگیری‌هایشان بیمی نداشته باشند، خدای را آزادانه عبادت کنند و چیزی را شریک او قرار ندهند» (علامه طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۵ / ۱۵۱).

در واقع، این وعده حکومت جهانی که از طرف خداوند صادر شده است، بهترین دلیل بر حضور پررنگ دین در عرصه‌های مختلف حکومتی و سیاسی است و می‌توان نتیجه گرفت که هدف از تشکیلات حکومتی، حفظ کیان دین و اجرای قوانین متعالی دینی است. این هدف از دو عبارت «لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ» و «يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئاً» به روشنی قابل استنباط است.

آیه دیگری که دلالت روشن و واضحی بر عدم جدایی دین از سیاست دارد؛ می‌فرماید: ﴿اصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَاذْكُرْ عَبْدَنَا دَاوُدَ ذَا الْأَيْدِ إِنَّهُ أَوَّابٌ... وَشَدَدْنَا مُلْكَهُ وَأَتَيْنَاهُ الْحِكْمَةَ وَفَصَّلَ الْخِطَابِ﴾ (ص/ ۱۷ و ۲۰)؛ «در برابر آنچه می‌گویند شکیباش، و به خاطر بیاور بنده ما داوود صاحب قدرت را، که او بسیار توبه‌کننده بود... و حکومت او را استحکام بخشیدیم، (هم) دانش به او دادیم و (هم) داوری عادلانه».

در مجمع البیان بیان شده است که مراد از «مُلْك» حکومت و حکمرانی است که از خداوند متعال به حضرت داود تنفیذ شد.

﴿وَشَدَدْنَا مُلْكَهُ﴾ یعنی ملک او را با نگهداری و لشکریان و شکوه و زیادی نیرو و افراد فراوان قوی گردانیدیم. ﴿وَأَتَيْنَاهُ الْحِكْمَةَ﴾ حکمت را که نبوت یا مصاب بودن در امور یا علم به خدا و احکام و شرایع خداوند است، به او دادیم. (طبرسی، مجمع البیان، ۸ / ۷۳۲).

بنابراین، حکومت و فرمانروایی با شکوهی که حضرت داود بر عهده داشت، مستقیماً از طرف خداوند متعال به او عنایت شده بود و این چیزی نیست جز همان توفیق دین با سیاست که به روشنی می‌توان این برداشت را از ظاهر این آیه به دست آورد.

#### ۵. لزوم مشورت در امور حکومتی و سیاسی

از اساسی‌ترین رمزهای موفقیت یک حاکم هوشیار، مشورت کردن با افراد خبره و کارآمد در اداره تمامی شئون کشوری است. قرآن کریم نیز به این امر مهم اشاره نموده است: ﴿قَالَتْ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَفْتُونِ فِي أَمْرِي مَا كُنْتُ قَاطِعَةً أَمْرًا حَتَّى تَشْهَدُونِ﴾ (نمل/۳۲)؛ «(سپس) گفت: ای اشراف (و ای بزرگان)! نظر خود را در این امر مهم به من بازگو کنید که من هیچ کار مهمی را بدون حضور (و مشورت) شما انجام نداده‌ام».

تفسیر دقیق و لطیفی از تفسیر نمونه پیرامون این آیه ذکر شده است که به بخشی از آن اشاره می‌کنیم: «او (ملکه قوم سبا) می‌خواست با این نظر خواهی موقعیت خود را در میان آنها تثبیت کرده و نظر آنها را به سوی خویش جلب نماید، ضمناً میزان هماهنگیشان را با تصمیمات خود مورد مطالعه و بررسی قرار دهد».

«افتونی» که از ماده «فتوا» است، در اصل به معنای حکم کردن دقیق و صحیح در مسائل پیچیده است. ملکه سبا با این تعبیر، هم پیچیدگی مسئله را به آنها گوشزد کرد و هم آنها را به این نکته توجه داد که باید در اظهار نظر دقت به خرج دهند تا راه خطا نپویند. «تشهدون» از ماده «شهود» به معنای حضور است؛ حضوری که توأم با همکاری و مشورت بوده باشد» (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۵ / ۴۵۴).

بنابراین، مشورت یک رهبر و حاکم با افراد ماهر موجب هوشیاری و دقت در امور حکومتی و نیز باعث برطرف شدن خطاها می‌شود.

#### ۶. فصل الخطاب بودن حرف رهبر جامعه اسلامی در امور حکومتی

در قوانین حکومت اسلامی باید تمامی اختلاف‌ها، مشورت‌ها و نظرها به یک مرجع الهی برگردد تا به هرج و مرج نینجامد و آن مرجع واحد همان رهبری است که به حکم



شرع و با قوانین و موازین شرعی، حکومت جامعه اسلامی را بر عهده می‌گیرد؛ برای نمونه، قرآن کریم می‌فرماید: ﴿قَالُوا نَحْنُ أَوْلُوا قُوَّةٍ وَ أَوْلُوا بِأَسِنَّةٍ شَدِيدَةٍ وَالْأَمْرُ إِلَيْكَ فَانظُرِي مَاذَا تَأْمُرِينَ﴾ (نمل/۳۳)؛ «گفتند: ما دارای نیروی کافی و قدرت جنگی فراوان هستیم، ولی تصمیم نهایی با توست. بین چه دستور می‌دهی».

طبرسی در مجمع البیان درباره ﴿فَانظُرِي مَاذَا تَأْمُرِينَ﴾ می‌نویسد:

«بین چه دستور می‌دهی تا ما عمل کنیم. اگر نظر تو صلح باشد، صلح می‌کنیم و اگر نظرت جنگ باشد می‌جنگیم» (طبرسی، مجمع البیان، ۷ / ۳۴۴).

آیت الله مکارم شیرازی نیز در تفسیر نمونه می‌نویسد:

«به این ترتیب هم تسلیم خود را در برابر دستورات او نشان دادند و هم تمایل خود را به تکیه بر قدرت و حضور در میدان جنگ» (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۵ / ۴۵۴).  
با توجه به این دو بیان، این نکته استنباط می‌شود که باید در برابر رهبری که بر اساس موازین شرعی به حکومت رسیده است، کاملاً مطیع بود و در تمامی زمینه‌ها تسلیم محض اوامر حکومتی و غیرحکومتی او شد.

#### ۷. لزوم حق‌مداری و عدالت‌گستر بودن سیاست‌های جنگی

یکی از مهم‌ترین و بارزترین جلوه‌های سیاسی در اسلام، مقوله جنگ و جهاد است. جهاد به عنوان یکی از عوامل نجات‌بخش جامعه اسلامی در مقابل توطئه‌های شوم دشمنان می‌تواند مهم‌ترین معادلات سیاسی یک جامعه را رقم بزند. قرآن کریم با اشاره به مقوله جهاد، هدف از آن را اعتلای کلمه حق و تحصیل رضای خداوند متعال معرفی می‌کند:

﴿فَلْيُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَشْرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ وَمَنْ يُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلْ أَوْ يَغْلِبْ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا وَمَا لَكُمْ لَأْتَقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا﴾ (نساء/۷۴-۷۶)؛ «کسانی که

زندگی دنیا را به آخرت فروخته‌اند، باید در راه خدا پیکار کنند! و آن کس که در راه خدا پیکار کند، و کشته شود یا پیروز گردد، پاداش بزرگی به او خواهیم داد. چرا در راه خدا، و (در راه) مردان و زنان و کودکانی که (به دست ستمگران) تضعیف شده‌اند، پیکار نمی‌کنید؟! همان افراد (ستم‌دیده‌ای) که می‌گویند: پروردگارا! ما را از این شهر (مکه)، که اهلش ستمگرند، بیرون ببر! و از طرف خود، برای ما سرپرستی قرار ده! و از جانب خود، یار و یابوری برای ما تعیین فرما! کسانی که ایمان دارند، در راه خدا پیکار می‌کنند و آن‌ها که کافرند، در راه طاغوت [بت و افراد طغیان‌گر]. پس شما با یاران شیطان، پیکار کنید! (و از آن‌ها نهراسید!) زیرا که نقشه شیطان، (همانند قدرتش) ضعیف است».

در تفسیر خسروی در توضیح و تفسیر این آیات به ابعاد سیاسی آن اشاره شده است:

«قتال و جنگی که قرآن سیاست آن را مقرر داشته است، قتال و کشتار استعباد و استعمار و ظلم و تعدی و کشور ستانی و توسعه در ملکیت و سلطنت و برده ساختن سایر ملل و امم چنان‌که امروز می‌بینیم، نیست و نبوده است و فقط قتال در راه خدا و اعلائی کلمه حق و عدل و گسترش عدالت و مساوات و استنقاذ ملل از تجاوز افراد خود است... لذا قرآن کریم غایت مراد و هدف اسلام را از قتال محدود می‌سازد و می‌فرماید: کسانی که ایمان آورده‌اند، در راه طاعت خدا و یاری دین خدا و اعلائی کلمه حق و تحصیل رضای او جهاد و قتال می‌کنند و کسانی که به حال کفر مانده‌اند و بر حقیقت پرده پوشی می‌کنند در راه طاغوت (یعنی در راه ظلم و جبروت و طغیان و تعدی بر حقوق ملل و امم و افراد ضعیف) می‌جنگند. پس شما مسلمانان با دوستان شیطان بجنگید و نیرو و عدد و تجهیزات آنها شما را نفریبد و مغرور نسازد؛ زیرا ولی و مولای شما رحمان است و او یار و یاور شماست و مولای آنها شیطان است و کید شیطان درباره مؤمنان در جنب کید خدا نسبت به کافران بسی ضعیف است» (میرزا خسروانی، تفسیر خسروی، ۲/ ۲۴۲).

بنابراین، سیاست اسلام و قرآن در قبال جنگ و جهاد یک سیاست معنوی و مادی است. معنوی است بدین سبب که هدف از آن اعتلای کلمه حق و اجرای عدالت و حاکم

نمودن دستورات تعالی بخش اسلام برای رساندن انسان‌ها به کمال حقیقی آنان است و در نهایت به دست آوردن رضای خداوند متعال است و مادی است بدین سبب که هدف از آن نجات جوامع از ظلم و ستم افراد خودخواهی است که قصد تعدی به حقوق ملت‌ها و افراد ضعیف را دارند. لذا اسلام و قرآن با هر گونه استعمار، استثمار، کشور ستانی و به بردگی کشاندن ملت‌ها مخالف است.

#### ۸. توجه خاص به مجاهدان دارای فعالیت‌های سیاسی

در معارف قرآنی - اسلامی توجه خاصی به کسانی شده است که در مبارزات سیاسی خود ضد دشمنان، سختی‌های زیادی از قبیل زندان، تبعید، فقر و... را برای رضای خداوند متعال متحمل شده‌اند. برای نمونه، خداوند می‌فرماید:

﴿لِلْفُقَرَاءِ الَّذِينَ أُحْصِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَطِيعُونَ ضَرْبًا فِي الْأَرْضِ يَحْسَبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنِيَاءَ مِنَ التَّعَفُّفِ تَعْرِفُهُمْ بِسِيمَاهُمْ لَا يَسْتَلُونَ النَّاسَ إِحْفَافًا وَمَا تَنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ﴾ (بقره/۲۷۳)؛ «انفاق شما، مخصوصاً باید) برای نیازمندی‌ها باشد که در راه خدا در تنگنا قرار گرفته‌اند (و توجه به آیین خدا، آنها را از وطن‌های خویش آواره ساخته و شرکت در میدان جهاد به آنها اجازه نمی‌دهد تا برای تأمین هزینه زندگی دست به کسب و تجارتي بزنند) نمی‌توانند مسافرتی کنند (و سرمایه‌ای به دست آورند) و از شدت خویشنداری، افراد ناآگاه آنها را بی‌نیاز می‌پندارند، اما آنها را از چهره‌هایشان می‌شناسی و هرگز با اصرار چیزی از مردم نمی‌خواهند. (این است مشخصات آنها!) و هر چیز خوبی در راه خدا انفاق کنید، خداوند از آن آگاه است.»

طبرسی علت فقر را در اینجا به عدم توانایی افراد برای تأمین معاش خود تفسیر نمی‌کند، بلکه علت فقر را اطاعت کامل از دستورات الهی می‌داند که در راه انجام این دستورات از جان و مال خود مایه گذاشته و سختی‌هایی را متحمل شده‌اند و سرانجام به فقر مالی دچار شده‌اند وی می‌گوید:

انفاق‌هایی که گفته شد، برای فقرایی است که در راه خدا از اشتغال به تجارت و کسب معاش در اثر خوف از دشمن یا مرض یا فقر یا توجه به عبادت بازمانده و ممنوع شده‌اند. از (فِي سَبِيلِ اللَّهِ) استفاده می‌شود که سبب ممنوعیت آنها اشتغال به عبادت و اطاعت بوده است. لذا آنان در اثر یکی از عذرهایی که گفته شد، قدرت ندارند که در زمین رفت و آمد و تصرفات و فعالیت‌های تجاری بنمایند.

بعضی گفته‌اند: چون آنان خود را ملزم کرده‌اند که در راه خدا جهاد نمایند، از کسب و کار باز مانده‌اند. لذا منظور این نیست که آنها توانایی بر کار ندارند، بلکه مراد این است که آنان چون خود را ملزم به جهاد نموده‌اند دیگر نمی‌توانند به غیر آن اقدام کنند (طبرسی، مجمع البیان، ۲/ ۶۶۶).

بنابراین، یکی از دستورات سیاسی اسلام اختصاص قسمتی از بیت‌المال برای کسانی است که در راه دفاع از دین (دفاع جهادی، اقتصادی، عبادی و...) از جان و مال خود مایه می‌گذارند و همیشه پا در رکاب اسلام هستند.

#### ۹. عزت، اصلی مهم در سیاست خارجی و روابط سیاسی - اقتصادی

در معارف اسلامی و قوانین متعالی اسلام، اصل کلیدی در روابط سیاسی با دشمنان حفظ ماندن عزت مسلمانان است. خداوند می‌فرماید: ﴿لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاةً وَيُحَذِّرْكُمْ اللَّهُ نَفْسَهُ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ﴾ (آل عمران/ ۲۸)؛ «افراد باایمان نباید به جای مؤمنان، کافران را دوست و سرپرست خود انتخاب کنند و هر کس چنین کند، هیچ رابطه‌ای با خدا ندارد (و پیوند او به کلی از خدا گسسته می‌شود) مگر این که از آنها بپرهیزید (و به خاطر هدف‌های مهم‌تری تقیه کنید). خداوند شما را از (نافرمانی) خود، بر حذر می‌دارد و بازگشت (شما) به سوی خداست».

رابطه کور کورانه و بی‌اساس جامعه اسلامی با دشمنان موجب وارد شدن زیان و ضرر به مسلمانان است. در تفسیر نمونه در این باره آمده است:

«این آیه در زمانی نازل شد که روابطی در میان مسلمانان و مشرکان با یهود و نصاری وجود داشت و چون ادامه این ارتباط، برای مسلمانان زیانبار بود، مسلمانان از این کار نپسندیدند. این آیه در واقع، یک درس مهم سیاسی اجتماعی به مسلمانان می‌دهد که بیگانگان را هرگز به عنوان دوست و حامی و یار و یاور نپذیرند و فریب سخنان جذاب و اظهار محبت‌های به ظاهر صمیمانه آنها را نخورند؛ زیرا ضربه‌های سنگینی که در طول تاریخ بر افراد با ایمان و با هدف واقع شده، در بسیاری از موارد از این رهگذر بوده است. تاریخچه استعمار می‌گوید: همیشه ظالمان استثمارگر در لباس دوستی و دلسوزی و عمران و آبادی ظاهر شده‌اند. فراموش نباید کرد آنها به نام عمران و آبادی وارد می‌شدند و هنگامی که جای پای خود را محکم می‌کردند، بیرحمانه بر آن جامعه می‌تاختند و همه چیز آنها را به یغما می‌بردند» (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۲/۴۹۸).

خداوند در آیه دیگری می‌فرماید: ﴿لَا خَيْرَ فِي كَثِيرٍ مِنْ نَجْوَاهُمْ إِلَّا مَنْ أَمَرَ بِصَدَقَةٍ أَوْ مَعْرُوفٍ أَوْ إِصْلَاحٍ بَيْنَ النَّاسِ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا﴾ (نساء/۱۴۴)؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! غیر از مؤمنان، کافران را ولی و تکیه‌گاه خود قرار ندهید! آیا می‌خواهید (با این عمل) دلیل آشکاری علیه خود در پیشگاه خدا قرار دهید؟».

علامه طباطبایی رحمته الله اساس رابطه نادرست با دشمنان را موجب نفاق دانسته و گفته است:

«این آیه شریفه - به طوری که ملاحظه می‌کنید - مؤمنان را از اینکه به ولایت کفار و سرپرستی آنها پیوندند و ولایت مؤمنان را ترک کنند، نهی می‌کند و سپس آیه دوم (نساء/۱۴۵) مسئله را به تهدید شدیدی تعلیل می‌کند که از ناحیه خدای تعالی متوجه منافقان شده است. این بیان و تعلیل معنایی جز این نمی‌تواند داشته باشد که خدای تعالی ترک ولایت مؤمنان و قبول ولایت کفار را نفاق دانسته، و مؤمنان را از وقوع در آن بر حذر می‌دارد» (علامه طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۵ / ۱۱۸).

از این دو آیه این نکته استنباط می‌شود که اصل اولی بر ترک رابطه تأثیرپذیر از دشمنان است و اگر مسائلی مانند سیاست، اقتصاد و... باعث شوند که بخواهیم با دشمنان رابطه‌ای برقرار کنیم، اصل بر احتیاط است و باید با اقتدار و عزت همراه باشد.

#### ۱۰. لزوم آگاهی در مدیریت سیاسی - امنیتی

مدیریت مسائل سیاسی - حکومتی جامعه به طوری که فقط گروه خاصی از آن اطلاع داشته باشند و باعث تشویش خاطر افراد جامعه نشود، یکی از مهم ترین برنامه های سیاسی اسلام است که در قرآن نیز به آن اشاره شده است: ﴿وَإِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِنَ الْأَمْنِ أَوِ الْخَوْفِ أَذَاعُوا بِهِ وَلَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَإِلَى أُولِي الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ وَلَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَاتَّبَعْتُمُ الشَّيْطَانَ إِلَّا قَلِيلًا﴾ (نساء/۸۳)؛ «و هنگامی که خبری از پیروزی یا شکست به آنها برسد، (بدون تحقیق) آن را شایع می سازند، در حالی که اگر آن را به پیامبر و پیشوایان - که قدرت تشخیص کافی دارند - بازگردانند، از ریشه های مسائل آگاه خواهند شد. و اگر فضل و رحمت خدا بر شما نبود، جز عده کمی، همگی از شیطان پیروی می کردید (و گمراه می شدید)».

مفسر تفسیر نمونه می نویسد:

«در این آیه به یکی دیگر از اعمال نادرست منافقان و یا افراد ضعیف الایمان اشاره کرده می فرماید: آنها کسانی هستند که هنگامی که اخباری مربوط به پیروزی و یا شکست مسلمانان به آنان برسد، بدون تحقیق، آن را همه جا پخش می کنند. بسیار می شود که این اخبار، بی اساس بوده و از طرف دشمنان به منظورهای خاصی جعل شده و اشاعه آن به زیان مسلمانان تمام می گردد.»

در حالی که وظیفه دارند این گونه اخبار را قبل از هر کس با رهبران و پیشوایان در میان بگذارند و از اطلاعات وسیع و فکر عمیق آنها استفاده کنند و بدون جهت نه مسلمانان را گرفتار عواقب غرور ناشی از پیروزی هایی خیالی کنند و نه روحیه آنها را به خاطر شایعات دروغین مربوط به شکست تضعیف نمایند.

«یستنبطونه» در اصل از ماده «نبط» (بر وزن فقط) است و به معنای نخستین آبی است که از چاه می کشند و از ریشه های زمین استخراج می گردد. و به همین جهت، استفاده کردن

هر حقیقتی از دلایل و شواهد مختلف و استخراج کردن آن از مدارک موجود، «استنباط» نامیده می‌شود، خواه در مسائل فقهی باشد یا در مسائل فلسفی و سیاسی و علمی. منظور از «أولی الأمر» (صاحبان فرمان) در اینجا کسانی هستند که قدرت تشخیص و احاطه کافی به مسائل مختلف دارند و می‌توانند حقایق را از شایعات بی‌اساس و مطالب راستین را از نادرست برای مردم روشن سازند که در درجه اول پیغمبر ﷺ و ائمه اهل بیت علیهم‌السلام، جانشینان او، و در درجه بعد دانشمندانی هستند که در این گونه مسائل صاحب نظرند» (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۴ / ۳۰).

در واقع، هدف از نزول این آیه اطاعت محض از رهبر سیاسی جامعه در امور سیاسی - امنیتی است و اینکه نباید به طور خودسرانه و جاهلانه اخباری که مربوط به امور حکومتی جامعه است، بدون اجازه رهبر سیاسی - الهی جامعه انتشار داد؛ چه بسا برخی از این اخبار موجب ترس و وحشت بیهوده در جامعه شود یا برخی از این اخبار موجب فاش شدن مسائل امنیتی جامعه و سوء استفاده دشمنان از آن گردد.

#### نتیجه

۱. مبانی سیاسی قرآن کریم را می‌توان در حوزه‌های مختلفی سیاسی، نظامی، اقتصادی، اجتماعی و... استخراج کرد که هر کدام از این مبانی، یک اصل راهبردی در اداره جامعه به شمار می‌رود.

۲. مهم‌ترین مبنای سیاسی قرآن کریم اصل جدا نبودن دین از سیاست است که می‌توان مصادیق زیادی برای آن در آیات قرآن کریم پیدا کرد.

۳. عدالت اجتماعی روح حاکم بر همه این مبانی است. نحوه رفتار سیاسی در روابط داخلی و خارجی، عدالت در رهبری و حکمرانی، حق‌مداری و عدالت‌گستر بودن سیاست‌های جنگی، توجه خاص به مجاهدان دارای فعالیت‌های سیاسی مواردی است که عدالت اجتماعی بر آنها حاکم است.

## منابع

۱. ابن فرات کوفی، ابوالقاسم فرات بن ابراهیم، تفسیر فرات الکوفی، مؤسسه چاپ و نشر، ۱۴۱۰ق.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۴ق.
۳. ابوالفتح رازی، حسین بن علی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، تحقیق دکتر محمد جعفر یاحقی و دکتر محمد مهدی ناصح، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۴۰۸ق.
۴. امرایی، حسن و شهاب شهرزاد، مهندسی سیاست، شوکا، ۱۳۸۸ش.
۵. بحرانی، سید هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران، بنیاد بعثت، ۱۴۱۶ق.
۶. بلاغی نجفی، محمد جواد، آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن، قم، بنیاد بعثت، ۱۴۲۰ق.
۷. رضایی اصفهانی، محمد علی، منطق تفسیر قرآن، قم، انتشارات جامعه المصطفی العالمیه، چاپ سوم، ۱۳۸۷ش.
۸. طباطبایی، جواد، زوال اندیشه سیاسی در ایران، نشر کویر، ۱۳۸۷ش.
۹. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ پنجم، ۱۳۷۴ش.
۱۰. طبرسی، فضل بن حسن، تفسیر جوامع الجامع، تهران، انتشارات دانشگاه تهران و مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۳۷۷ش.
۱۱. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات ناصر خسرو، چاپ سوم، ۱۳۷۲ش.
۱۲. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، تحقیق سید احمد حسینی، تهران، کتابفروشی مرتضوی، ۱۳۷۵ش.
۱۳. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، تحقیق احمد قصیر عاملی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۱۴. عاملی، علی بن حسین، الوجیز فی تفسیر القرآن العزیز، تحقیق شیخ مالک محمودی، قم، دارالقرآن الکریم، ۱۴۱۳ق.
۱۵. عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نورالثقلین، سید هاشم رسولی محلاتی، قم، اسماعیلیان، چاپ چهارم، ۱۴۱۵ق.
۱۶. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، قم، هجرت، چاپ دوم، ۱۴۱۰ق.
۱۷. فروند، ژولین، سیاست چیست؟، ترجمه عبدالوهاب احمدی، نشر آگه، ۱۳۸۴ش.
۱۸. فیض کاشانی، ملامحسن، تفسیر الصافی، تحقیق حسین اعلمی، تهران، الصدر، چاپ دوم، ۱۴۱۵ق.
۱۹. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، تحقیق سید طیب موسوی جزایری، قم، دار الکتب، چاپ چهارم، ۱۳۶۷ش.
۲۰. گنابادی، سلطان محمد، تفسیر بیان السعاده فی مقامات العبادة، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۸ق.
۲۱. مکارم شیرازی، ناصر، الأمثل فی تفسیر کتاب الله المنزل، قم، مدرسه امام علی بن ابی طالب (ع)، ۱۴۲۱ق.
۲۲. \_\_\_\_\_، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الإسلامیه، ۱۳۷۴ش.
۲۳. میرزا خسروانی، علیرضا، تفسیر خسروی، تحقیق محمد باقر بهبودی، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۹۰ق.